

## کارکرد «توحید باوری» در شهرسازی\*

مریم وفادار

حسین احمدی (نویسنده مسئول)

\* مصطفی رجائی پور

هادی سروری

### چکیده

طرز تفکر یک مکتب درباره جهان هستی (جهان بینی) زیرساخت آن مکتب به شمار می‌رود. جهان بینی توحیدی با پنج اصل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد مبنای فکری شیعه را می‌سازد. اصل توحید که پایه و اساس تفکر توحیدی است در چهار بخش توحید در ذات، صفات، عبادت و نیز توحید افعالی قابل طرح است که باور به این اعتقاد، آثار فراوانی در زندگی موحدانه و نیز در سبک زندگی اجتماعی توحید محور دارد به طوری که طبق قاعده بسیط الحقیقه، همه اشیاء جلوه پروردگار هستند و در عین کثرت، وحدت را نشان می‌دهند و از منیت بدور هستند. انسان خلیفه الله است و می‌تواند متخلّق به صفات فعل الهی از جمله عدل شود به طوری که عدالت را در شهرسازی به نمایش گذارد. باری تعالی، خالق این جهان، نظام احسن را به بشر می‌آموزد و انسان آنچه را که معرف فعل و خلق الهی است در آثار و فعالیت‌های خود متجلی می‌نماید و در نهایت توحید نظری را در عمل پیاده و مردم را در زندگی اجتماعی به سوی خداپرستی و ارتباط با خداوند سوق می‌دهد. یافته‌های پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی حاصل شد، نشان می‌دهد که توحید باوری بر روی کارکرد اشخاص از جمله شهرساز تأثیر دارد، به این معنی که جهان بینی شهرسازان و مدیران شهری می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های آنان بر مدل شهر تأثیر گذار باشد و طراحی شهر را به نحو صحیح مدیریت کند.

**کلید واژه‌ها:** توحید، کارکرد توحیدباوری، وحدت، شهرسازی اسلامی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۸.

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد / vafadarm@gmail.com

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد / ahmari.hosein@yhoo.com

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد / rajaeepoor0250@mshdiau.ac.ir

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد / sarvari\_hadi@yahoo.com

تعالیم اسلام مجموعه‌ای است کامل از اعتقادات، اخلاقیات و احکام که به گونه منسجم و به هم پیوسته به وسیله امین وحی در اختیار انسان قرار گرفته است. (آل عمران: ۷) آیین اسلام از یک سو با وضع قوانین اجتماعی، راه سعادت جامعه انسانی را باز نموده است و از سوی دیگر، با پا فشاری بر فضایل اخلاقی، در پی کمال افراد انسانی است؛ بدین سان مراد از جامعیت دین اسلام، توجه آن به همه زوایای تعالیم مادی و معنوی زندگی انسان و برآوردن نیازهای اوست. هر آنچه انسان برای راه یافتن به سعادت دنیوی و اخروی نیاز دارد، در دین اسلام آمده است. توحید از ارکان اصول اعتقادی مسلمانان و قوام دین است، به گونه‌ای که در میان تمامی صفات الهی، تنها توحید در زمره اصول دین قرار گرفته است و انسان قادر نیست بدون معرفت توحیدی حتی یک گام در این دین بردارد. محتوای کلام امام علی علیه السلام که می‌فرمایند:

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، بیان همین مطلب می‌باشد.

اسلام، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند و اندکی دقت در تعالیم اسلام معلوم می‌سازد که تمام قوانین اسلامی بر اساس توحید وضع شده‌اند. به بیان علامه جوادی آملی، هر گونه روابط انسانی در حیات اجتماعی-از قبیل روابط فرهنگی و تربیتی، مشارکت تجاری و اقتصادی، قراردادهای سیاسی و نظامی و... بر مبنای همین اصل تنظیم شده‌اند. در حقیقت، این دسته از مسائل در زندگی اجتماعی، اموری نازل از مقام توحید است و مراتب صاعد آنها همان مقام عالی توحید است. بنابراین، توحید، جامع همه تعالیم الهی است.

اصل توحید، به عنوان اساس تفکر و اعتقاد مسلمانان و صفت ممیزه اسلام از سایر مکاتب، همواره الهام‌بخش همه فعالیت‌های فکری و عملی مسلمانان معتقد و مؤمن در طول تاریخ اسلام بوده است. توحید دارای مراتبی است که اعتقاد به تمام مراتب آن، توحید کامل است و موحد کامل نیز کسی است که به همه مراتب آن، اعتقاد داشته باشد. چنین توحیدی است که می‌تواند بستری برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری قرار گیرد، زیرا کسانی که به توحید کامل معتقدند، این اعتقاد را در تمام جنبه‌های زندگی، از جمله شهرسازی به ظهور و بروز می‌رسانند.

بنابراین، توحید تنها یک عقیده و اندیشه خنثی نیست که تأثیری در حوزه رفتار و کردار انسانی نداشته باشد و گسسته از نظامات اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی او باشد، بلکه توحید از یک‌سو، نظام ارزشی انسان موحد را پدید می‌آورد (اخلاق) و از سوی دیگر تنظیم‌کننده مناسبات اجتماعی اوست. باید گفت در حوزه دین پژوهی، کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه و افراد است که بالتبع در موضوع مورد بحث، کارکرد توحید باوری در شهرسازی اسلامی، غایات و آثار آن در طراحی شهری است و تفسیر باورهای دینی و زندگی اجتماعی می‌باشد، چرا که مقوله شهرسازی نیز یکی از ساحت‌هایی است که اندیشه توحید نسبت به آن تأثیرگذار است و کارکرد آن باید در شهرسازی به وضوح بیان گردد تا شاید بتوان تحول و رویکردی منطبق با جهان بینی توحیدی که در شهرسازی اسلامی مورد غفلت قرار گرفته ایجاد کرد. لذا در این نوشتار ضمن بیان مفاهیم پایه، توحید و جهان بینی توحیدی، به بررسی مراتب توحید پرداخته و آنگاه تأثیری که توحید باوری بر روی کارکرد شخص از جمله شهرساز دارد و می‌تواند آنها را بر طراحی و برنامه‌ریزی شهری تطبیق دهد اشاره شده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### الف) کارکرد

واژه کارکرد در لغت به معنای عمل و کار و کردار و فعل، آمده است. (دهخدا،

۱۳۷۷، ج ۹: ۸۹)

دانشمندان علوم اجتماعی در اصطلاح جامعه‌شناسی برای این مفهوم لفظ لاتینی "function" را به کار برده و بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید می‌ورزند و مرادشان از «فانکشن»، کارکرد یا وظیفه‌ای است که هر پدیده در نظام اجتماعی بر عهده دارد. (توسلی، ۱۳۷۱: ۲۱۷)

کارکرد در اصطلاح جامعه‌شناختی، وقتی به دین نسبت داده می‌شود معنای عام آن را که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین نسبت به جامعه می‌شود و قوام و بقا و تعادل آن را در پی دارد، در برمی‌گیرد، یعنی در حوزه دین پژوهی مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه و افراد است. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۲۸) در موضوع مورد بحث نیز

منظور از کارکرد توحید باوری، مطلق غایبات و آثار توحید باوری در شهرسازی اسلامی است که در محدوده این نوشتار به برخی از این کارکردها پرداخته می‌شود.

### ب) شهرسازی

باید گفت شهرسازی، مسکن‌سازی و خانه‌سازی و حداکثر خیابان‌کشی و بلوارسازی نیست؛ شهرسازی را می‌توان سازمان‌دهی و کنترل همه فعالیت‌های ضروری حیات فردی و جمعی انسان دانست به نحوی که حاصل کار، پاسخگوی نیازهای متفاوت انسان بنا به فرهنگ و جهان‌بینی خاص خودش -اسلام- باشد و علاوه بر آن، شهر باید هادی اهل خویش به سمت کمال مطلوب انسانیت باشد. شهر محل تعاملات فرهنگی و اجتماعی است که نه تنها تعاملات و برخورد افراد که حتی تأثیر کالبد بر فرهنگ و بر رفتارهای فردی امری اجتناب‌ناپذیر است. (هانیه اخوت و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۰)

شهرسازی مجموعه روش‌ها و تدابیری است که متخصصان امور شهری به وسیله آن، شهرها را بهتر می‌سازند. این دانش به شهرسازی با علم تنسيق شهرها شهرت دارد. به عبارت دیگر شهرسازی عبارت است از مطالعه، طرح‌ریزی و توسعه شهرها با در نظر گرفتن احتیاجات حقوقی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان آن (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰) که اگر تمام موارد فوق بر پایه استنباط فقیه باشد و شهرسازان متخصص و متعهد، شهر را بر اساس الگوهای اسلامی بنا کنند، شهرسازی، اسلامی خواهد بود.

### ج) جهان‌بینی

یک مسلک و یک فلسفه زندگی، خواه ناخواه بر نوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی درباره هستی و بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان مبتنی است. نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴: ۷۵)

در میان انسان‌ها انواعی از جهان‌بینی وجود داشته و دارد، ولی همگی آنها را می‌توان بر اساس پذیرفتن ماوراء الطبیعت و انکار آن، به دو بخش کلی تقسیم کرد؛ جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱۲)

هرچند به نظر صاحب‌نظران بنابه اینکه جهان‌بینی از سه منبع علم، فلسفه و دین الهام می‌گیرد به سه قِسم جهان‌بینی علمی، فلسفی و مذهبی تقسیم می‌گردد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۴) البته جهان‌بینی توحیدی و یا الهی الزاماً زندگی موحدانه را ایجاد نخواهد کرد و چه بسا انسانی خود را موحد بداند، ولی در سبک زندگی خود روشی را اتخاذ کرده باشد که از جهان‌بینی مادی برمی‌آید و یا حوزه عملکردی دین را محدود به مسائل فردی و شخصی کرده و در مسائل اجتماعی به آن ارجح نمی‌نهد. آنچه مهم است تعمیق جهان‌بینی الهی و تصمیم بر عملی کردن آن در تمام عرصه‌های زندگی است. در این نوشتار بدون وارد شدن به تقسیم‌بندی انواع جهان‌بینی، بنا به ماهیت بحث مورد نظر که به شهرسازی اسلامی مربوط می‌شود، تنها به جهان‌بینی توحیدی و در میان آن به اصل اساسی توحید به عنوان فضای اندیشه و تفکر مسلمانان اشاره می‌شود.

### جهان‌بینی توحیدی

جهان‌بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و جود و رحمت رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است. جهان‌بینی توحیدی، یعنی جهان یک‌قطبی و تک‌محوری است. جهان‌بینی توحیدی یعنی جهان ماهیت / ز/وی (انالله) و به سوی /وی (انا الیه راجعون) دارد. موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک‌سو و به طرف یک مرکز، تکامل می‌یابند. آفرینش هیچ موجودی عبث و بیهوده و بدون هدف نیست، جهان با یک سلسله نظامات قطعی که سنن الهیه نامیده می‌شود اداره می‌شود و انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد و مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است. جهان مدرسه انسان است و خداوند به هر انسانی طبق نیت و کوشش صحیح و درستش پاداش می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۳:

(۸۳)

جهان‌بینی توحیدی تنها جهان‌بینی است که در آن تعهد و مسئولیت افراد در برابر یکدیگر مفهوم و معنا پیدا می‌کند و از طرفی با نیروی منطق، علم و استدلال حمایت می‌شود. جهان‌بینی توحیدی به حیات و زندگی، معنی و روح و هدف می‌دهد، زیرا

انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حدّ معینی متوقف نمی‌شود و همیشه رو به پیش است. (همان: ۸۴)

سه موضوع بنیادی در این بینش مطرح است؛ انسان، خالق هستی و جهان هستی. در بینش الهی، انسان خدامحور است و همه هستی را در پیوند با آفریدگار می‌بیند و باز می‌شناسد. او جهان آفرینش را قائم به خود نمی‌انگارد و بی‌تدبیر و برنامه نمی‌پندارد و بر آن است که هر چیز را در جهان، حکمت و تدبیری است و انسان موجودی هدفمند و مسئول است و روزی باید برای آنچه کرده است، بازخواست شود. (مطهری، ۱۳۸۴، ۷۷-۸۴)

اصول مشترک جهان‌بینی اسلامی عبارت است از ایمان به خدای یگانه، انبیای الهی و جهان آخرت که البته امامیه به دو اصل امامت و عدل نیز به عنوان اصول این جهان‌بینی معتقد است، لذا پنج اصل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، مبانی فکری شیعه را تشکیل می‌دهد.

#### د) توحید

توحید، در لغت از مصدر وَحَدَّ به معنای انفراد، یکی‌بودن و یکی‌دانستن و از غیر مبرا کردن است. برخی معانی دیگری مانند چیزی که نظیر ندارد و چیزی که تجزیه آن ممکن نیست بر آن افزوده‌اند. توحید به معنای یکی‌دانستن و یکتا شمردن نیز به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ۵۵۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۴۲۳۳-۴۲۳۴)

اساس جهان‌بینی اسلامی را اصل توحید تشکیل می‌دهد. اعتقاد به توحید و یکی‌دانستن خداوند، اصل و اساس تمام اعتقادات بوده و تأثیری عمیق، بنیادی و عملی در زندگی انسان دارد. چنان که شهید مطهری بیان داشته است:

با اینکه انسان گمان می‌کند توحید یکی از مسائل اسلام است و هزاران مسئله دیگر در اسلام در کنار توحید قرار گرفته است، ولی وقتی با نگاهی دقیق‌تر می‌نگرد، می‌بیند اسلام سراسرش توحید است، یعنی تمام مسائل آن، چه آنها که مربوط به اصول عقاید است و چه آنها که به اخلاقیات و امور تربیتی و یا به دستورالعمل‌های روزانه ارتباط دارد، همگی یکجا و یک‌پارچه توحید است. اگر نبوت و معاد را که دو اصل دیگر از اصول اعتقادی هستند و یا امامت را مورد تحلیل قرار دهیم در شکل دیگر، توحید است

و اگر دستورهای اخلاقی و یا احکام اجتماعی اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم در شکل دیگر، توحید است. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۰)

بر همین اساس است که امام علی علیه السلام سخنان بسیاری در رابطه با توحید، آثار و پیامدهای اعتقادی آن بیان داشته‌اند. در روایتی، ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «التوحید نصف الدین». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۳، ح ۳۱) و یا فرموده‌اند: «لا اله الا الله نصف المیزان». (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۲۷۵) و یا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اساس الدین التوحید». (بحار الانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۵)

### مراتب توحید

محققان اسلامی مباحث مربوط به توحید را در چهار بخش خلاصه کرده‌اند؛ توحید ذات، توحید صفات، توحید افعال و توحید در عبادت، لیکن در بعضی از این اقسام، شاخه‌های دیگری مانند توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در تقنین و نیز نظیر توحید حاکمیت، شاریت، مالکیت و همچنین توحید در اطاعت، توکل و استعانت وجود دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۲۶۱-۲۶۰) لازم به ذکر است از آنجا که تفاوت اقسام توحید، تفاوت مفهومی است و از نظر مصادیق تمام توحیدها یکی بوده که همان خداوند یگانه است، به جهت محدودیت نوشتار، فقط به چهار شاخه اصلی توحید پرداخته خواهد شد.

### توحید ذاتی

مقصود از توحید ذاتی به معنای بساطت این است که خداوند، وجود محض و بسیط بوده و از هیچ جزئی تشکیل نشده است و به بیانی هرگونه کثرت و تعدد درونی آن نفی می‌شود؛ به بیان سوم خداوند از هیچ شیئی مرکب نیست. گونه دیگر توحید ذاتی، توحید و یگانه‌انگاری خدا در برابر تعدد و کثرت بیرونی است، به این معنی که علاوه بر ذات خدا، خدای دیگری در عرض آن وجود ندارد. مقصود از توحید ذاتی قسم اول، نفی ترکیب و در توحید قسم دوم مقصود نفی تعدد است. برخی از قسم اول به توحید/حدی و از قسم دوم به توحید/واحدی تعبیر می‌کنند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۶: ۳۰۳)

روایات نیز برای توحید ذاتی دو معنا بر شمرده‌اند؛ یکی بسیط بودن و جزء نداشتن که آن را احدیت ذات می‌گویند و دیگر، مثل و نظیر نداشتن که آن را وحدانیت ذات می‌خوانند. (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۸۴؛ جعفر سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۴۸)

ملاصدرا نیز بر مبنای نظام فلسفی خود شبیه‌نبودن و بی‌مانندی پرودگار را دلیل بر یگانگی او در نظر می‌گیرد. او باری تعالی را به واجب‌الوجود بالذات، صرف‌الوجود بودن و حقیقتی بسیط متصف می‌کند که تمامی این خصوصیات هرگونه شباهتی و همانندی را از غیر نفی می‌کند، زیرا او ثابت می‌کند این ویژگی‌ها تنها می‌تواند مختص به یک موجود باشد و هیچ موجود دیگری هم‌عرض او نمی‌تواند واجد چنین خصوصیات کمالی باشد. به عنوان مثال او تنها یک وجود صرف را مجاز می‌شمارد و در کنار وجود صرف، وجود دیگری را نمی‌پذیرد. (ملاً صدرا، ۱۳۸۰: ۷۳)

### توحید صفاتی

توحید صفاتی یعنی درک اینکه ذات خداوند به دلیل واجب‌الوجود بودن، دارای تمام صفات کمالیه است و اینکه صفات باری تعالی عین ذات او و یکی بیش نیست و فقط از حیث مفهوم مختلف هستند. تمام صفات خداوند متعال به حقیقت واحد برمی‌گردد، پس صفت علم، جدای از صفت قدرت خداوند نیست و قدرت خداوند جدای از صفت ازلیت نیست و هكذا تمام صفات دیگر به حقیقت ذات برمی‌گردد، اما در مورد انسان ممکن است قائل شد به اینکه علم او در روح اوست و شجاعت و قدرتش در بازوانش و مهر و رحمت او در قلبش می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۹۵)

از نظر ملاصدرا نیز صفات در عین حال که تفاوت مفهومی دارند از لحاظ مصداق، عین ذات و عین یکدیگر هستند.

چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: **كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ، وَ كُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ مَمْلُوكٌ وَ كُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مَتَعَلِّمٌ وَ كُلُّ قَادِرٍ غَيْرُهُ يَقْدِرُ وَ يَعْجِزُ؛** هر عزیز بی‌غیر ذلیل و هر قوی بی‌غیر ضعیف، و هر مالک بی‌غیر مملوک و هر عالم بی‌غیر متعلم و هر قادر بی‌غیر یقدر و یعجز؛ هر عزیز بی‌غیر او ذلیل و هر توانمندی بی‌غیر او ناتوان و هر مالکی بی‌غیر او مملوک و هر عالمی بی‌غیر او متعلم و هر توانایی بی‌غیر او گاه توانا و گاه ناتوان است. (نهج البلاغه، خطبه ۶۵)

از این روایت استفاده می‌شود که اوصاف خدای تعالی شخصاً ویژه اویند و کسی در آنها با او شریک نیست و وجدان و برهان دلالت می‌کند که اوصاف کمالی انسان مانند



قدرت و حیات مربوط به خود اوست نه اینکه صفات خدا بوده باشد. به عبارت دیگر صفات و کمالات موجودات از خدا و به اراده اوست، ولی صفات خداوند نیستند. (سیدان، ۱۳۸۰: ۲۸)

### توحید افعالی

توحید افعالی یعنی درک شناخت اینکه جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل و کار او و ناشی از اراده اوست. موجودات عالم همچنان که در ذات استقلال ندارند و همه قائم به او و وابسته به او هستند در مقام تأثیر و علیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه، خداوند همچنان که در ذات شریک ندارد، در فاعلیت نیز شریک ندارد. هر فاعل و سببی، حقیقت خود و وجود خود و تأثیر و فاعلیت خود را از او دارد و قائم به اوست. (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

و اینکه فاعل حقیقی همه افعال در سه مرحله، یعنی مقام خلق و آفرینش جهان، اداره و تدبیر جهان، صدور آثار از اشیاء و صدور افعال از انسان، خداوند است. هر کاری که ما انجام می‌دهیم نیز به فرمان خداوند است، چرا که او ما را بر آن قادر کرده است و اختیار، قدرت و عقل داده است که هر آنچه می‌خواهیم انجام دهیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۹۵)

از نظر صدرالمتألهین، جهان سراسر شئون حق تعالی است و همان گونه که اصل وجود جهان و هر موجودی در آن، ظهور و جلوه حق است، افعال صادره از موجودات هم ظهور فعل حق‌اند. ایشان، فعل را از هر فاعلی که صادر شود، چه به صورت اختیاری و چه به صورت اضطراری، به خود شیء منتسب می‌داند و با عین همان انتساب، به خدای متعال نیز منتسب می‌کند. (ملاصدرا، ۱۴۲۵ق: ۳۱۵)

در بحث توحید افعالی، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، وحدت نظام آفرینش است. طبق قاعده الواحد در مکتب صدرایی، فعل خدا یکی است؛ یعنی فیض مقدس و امر واحد بسیطی است که مراتب شدت و ضعف طولی و تکثر را در درون خود دارد. عالم آفرینش با تمام کثراتها، یک واحد نظام‌مند و حقیقی است، یعنی عالم با تمام اجزای خود مخلوق فقط یک خالق است. البته مقصود از حصر خالقیت در خداوند، نفی و انکار وجود آفریننده و خالق در عرض خداوند است، به این نحو که در کنار و عرض خدا، خالق دیگری جدای از خداوند وجود داشته باشد که به خلق بعضی از جهان یا

جهان دیگر بپردازد، اما اینکه خداوند وجودی را خلق کند و به آن قدرت و توانایی فوق‌العاده‌ای عنایت کند که آن وجود به هر عنوان، مثل عنوان عقل اول یا نور اول بتواند وجودهای ممکن دیگری را خلق نماید، چنین فرضی با توحید در خالقیت منافات ندارد، چرا که فعل و قدرت آن علت به خداوند منسوب است و از لحاظ دیگر، چون وجود آن علت و معلول یا معلول‌هایش به دلیل وجود امکانی، دائم به واجب‌الوجود متقوم است، فعل علت و معلول بلکه اصل وجود آن دو به خداوند وابسته و منسوب است، از این حیث می‌توان فعل و آثار علل و معلولات پایین‌تر را هم به علت مباشر و هم به خداوند نسبت داد که در فلسفه از آن به علیت طولی تعبیر می‌شود. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸: ۲۷۸)

### توحید عبادی

توحید عبادی از جمله دعوت‌های مشترک انبیاء و اهداف بعثت آنان است و از مسائلی بوده که پیش از هر چیز دیگر، پیامبران الهی روی آن سرمایه‌گذاری می‌کردند. «توحید عبادی همان یکتاپرستی است. پرستش موجود یکتاست که تنها معبود شایسته پرستش است؛ غیر از خدا احدی معبود نیست؛ خواه به نحو استقلال و خواه به نحو مظهریت و غیر از خدا هر چه و هر کس باشد جز وظیفه بندگی سمتی ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۱۶) در کاربرد واژه عبادت آمده است آن گونه خضوع و اظهار کوچکی و ذلت است که با یک اعتقاد همراه باشد اعتقاد به اینکه موجودی که در باب او اظهار خضوع می‌کنیم شایسته الوهیت است، چرا که آفریدگار هستی است و تدبیر همه امور را دارد. (سعیدی‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۳۷)

عبادت و پرستش فقط برای خداوند است و هیچ موجودی غیر از خداوند سزاوار پرستش نمی‌باشد، پس هر فرد، زمانی مسلمان است و در زمره مسلمین که اعتراف کند عبادت فقط برای خداوند است. (سبحانی، بی تا: ۳۲)

باید توجه داشت، آنچه در مراتب توحید بیان شد، حقیقت توحید است و هر مسلمانی به این حقیقت توحیدی اعتقادی داشته باشد توحید او کامل است؛ البته به بیان آیت‌الله جوادی آملی، اصالت توحید بدین معنا نیست که فرد در اعتقادات خویش به ذات ربوبی معتقد باشد و این اعتقاد هیچ‌گونه ثمره‌ای در بر نداشته باشد. عقیده به توحید هرگاه شکوفا گردد، حتماً در اخلاق و اعمال فردی و اجتماعی فرد و جامعه

تجلی می‌یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۹۱-۹۰) به عبارتی دیگر: «اصول عقاید اسلام خطوط قرمز تحقق تمدن اسلام به شمار می‌رود، مانند عدل و توحید که محور اصلی در تنظیم شاخص‌های مربوط به عدالت و وحدت است.» (قربانی، ۱۳۹۵: ۳۹) خصوصاً توحید، خود بر اساس مراتب، شاخص‌های دیگری را در این راستا مدیریت می‌کند و کارکرد خود را در زندگی بشری و در مقوله مورد بحث (مدیریت و برنامه‌ریزی شهری) به منصفه ظهور می‌کشاند.

## ۲. کارکرد باور مراتب توحید در شهرسازی اسلامی

جهان‌بینی توحیدی که بر پایه یگانگی و وحدت آفریدگار و رب و مدیر عالم هستی استوار است و در مقولاتی چون توحید در ذات، توحید صفات، توحید در عبادت و توحید افعالی قابل طرح است، هرکدام از آنها به نحوی بر شکل‌گیری فعالیت‌های مسلمین اثر داشته و به این ترتیب بوده است که نظریات، تئوری‌ها، باورها و اعتقادات و مباحثی که در توحید نظری مطرح بوده، جلوه خویشت را در همه زمینه‌های زندگی و از جمله شکل دادن به محیط زندگی و شهرسازی می‌نمایانده و بنیاد و اساس تمامی فرآورده‌ها و جهت‌دهنده حرکت و فعالیت‌های مسلمانان قرار می‌گرفته است. (ر.ک: نقی زاده، ۱۳۸۹: ۶۹)

تفکر توحیدی در توحید ذاتی، مسلمانان را به سمت روش‌هایی هدایت می‌کند که به نحوی این روش‌ها انسان را به تنزیه الهی در تولیدات خود متذکر می‌شود، به این بیان که مسلمانان در تولیدات و آثاری که به وجود می‌آورند باید مولد آثاری باشند که تجلی خداوند بوده و در عین کثرت اعضا، جلوه‌ای از وحدت را به نمایش گذارد، زیرا طبق قاعده بسیط الحقیقه، خداوند امر واحد بسیط است که همه اشیاء جلوات و شئون او هستند، ولی هیچ کدام، او نیستند. همه موجودات در عین کثرت او را نشان می‌دهند و آینه‌ای هستند که به فراخور ظرفیت نشانگر اویند و اصل و حقیقت همه آنها، آن امر واحد است ولی با نظر به جنبه نقصی و ماهوی، آنها مبین کثرت هستند نه وحدت. به این ترتیب رعایت اصل وحدت در کثرت از نظر کالبدی، علاوه بر اینکه طراح را باید به سمت اجتناب از ایجاد تک بناها و یا فضاهایی که من بگویند، فراخواند و مخالفت با فردگرایی را در او رشد دهد، بایستی طراح را به سمت ایجاد فضاهایی که وحدت جامعه (امت) را در عین کثرت (افراد) حفظ و تقویت نماید، هدایت کند. این به آن دلیل

است که اولاً در فرهنگ اسلامی، جمع و جماعت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در ثانی فردگرایی، یکی از ویژگی‌های بارز تمدن مدرن غربی است که به جهت منشاء فلسفی و ایدئولوژیک خویش، نمی‌تواند با تعالیم اسلامی هماهنگی و همخوانی داشته باشد. (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۹۲)

چنانچه بورکهارت می‌گوید: «در واقع، هنر اسلامی در همهٔ پهنهٔ جغرافیای اسلامی از ایجاد هرآنچه «من»، گفته و خود را مطرح می‌نموده است، احتراز ورزیده است.» (بورکهارت، ۱۳۷۰: ۴۵) بی‌ربط نیست که در متون دینی آثار فراوانی برای وحدت و اتحاد بیان شده است، مانند شکوفایی جامعه، عزت و اقتدار نظام سیاسی، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی و دفع شرور دشمنان داخلی و خارجی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۵۴)

بنابراین، اعتقاد به توحید و الهام از آن در خلق آثار مختلف نیز عامل اصلی تجلی وحدت در آثار مسلمانان است، وحدتی که بر جنبه‌های مختلف شهر حکومت خواهد کرد. باید اذعان کرد در چنین جامعه‌ای انسان‌ها در عقاید، اخلاق، اعمال فردی و کنش با جهان طبیعت و استفاده از منابع طبیعی، خدا را شاهد و ناظر می‌دانند: «أَلَمْ يَلْمَ بَأْنَ اللّٰهَ بَرَى» و توحید در همه شئون حیات اجتماعی افراد ظهور داشته و می‌تواند روابط آحاد یک جامعه را به سمت اهداف و ارزش‌های مورد انتظار آن جامعه هدایت کند. لذا کارکرد و هدف اصلی از وحدتی که تفکر توحیدی مردم را به آن فرامی‌خواند، می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ویژگی‌های شهر باید برگرفته از نظم کلی حاکم بر جهان هستی باشد؛
- ساخته‌ها باید با نیازها و اعتقادات جامعه مسلمان، هماهنگ و همخوان باشد؛
- توجه به فضاها و مکان‌هایی که در تقویت وحدت مورد نظر تعالیم اسلامی مؤثرند، بایستی مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان باشد؛
- چنانچه می‌توانند مکان‌هایی که امکان تماس‌های رودررو بین آحاد جامعه، همچون کوچه، خیابان، مسجد، بازار، میدان و سایر امکنه عمومی و در مراسمی چون نماز جمعه، نماز جماعت، مراسم فرهنگی و ملی، آیین‌ها، اعیاد و جشن‌ها، ورزش‌های جمعی و حتی تجمعات و برخوردهای اتفاقی وجود دارد، اماکن طوری طراحی گردد که مردم احساس یگانگی و وحدت بیشتری داشته باشند؛

- در چارچوب نظم، ساختمان‌های شخصی یا ساختمان‌های خدماتی عمومی یا خصوصی، بر مبنای نقشه شهری ویژه‌ای ساخته شوند که ضمن جلوگیری از هرگونه هرج و مرج، بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان در کاربری‌های مختلف زمین در شهر اعم از آموزشی، مسکونی، مذهبی، درمانی، ورزشی، تجاری و فضای سبز بوده و کارآیی واقعی خود را از نظر مکان‌یابی و مساحت و نحوه ساخت داشته باشند؛

- ساخت‌ها باید با دوری از خودخواهی و منیت، روحیه تعاون و همکاری را تقویت نماید.

اما توحید صفاتی انسان را به این سمت سوق می‌دهد که چون انسان خلیفة الله است باید متخلق به صفات الهی بوده و افعالش صبغه الهی داشته باشد، چرا که به گفته علامه طهرانی: «از جهت امکان و استعداد، ترقی به اوج درجات صفات و اسماء حضرتش برای ما مقدور می‌باشد و امکان تخلیق به جمیع آنها، موجود است». (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق: ۹۴)

به این ترتیب، شاید مهم‌ترین صفت فعل الهی که بتوان به آن متخلق شد و کارکرد آن را در برنامه‌ریزی شهری به ظهور رساند، عدل باشد. وقتی انسان به خدا ایمان داشته و صفات او را شناخته و بداند که او عادل، بلکه عین عدالت است، او نیز آینه تمام‌نمای صفت الهی شده و سعی در اجرای عدالت در تمام عرصه‌های زندگی دارد. اهمیت عدل به عنوان صفت فعل الهی در قرآن کریم و در کلام رسول خدا ﷺ و حضرت علی علیه السلام طوری بیان شده است که می‌تواند در همه ابعاد زندگی و افعال انسان، تجلی یافته و مصداق داشته باشد و به عنوان وظیفه‌ای واجب برای انسان در حیات اجتماعی او رخ بنماید، زیرا بنا به تعالیم اسلام و قرآن کریم، اصولاً نزول کتاب و میزان به همراه ارسال پیامبران الهی، هدفی جز برپا داشتن قسط و عدل ندارد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ همانا ما پیغمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند». (حدید: ۵)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ آسمان‌ها و زمین به عدل برپاست». (احسائی، ۱۳۶۱، ج ۴: ۱۰۳) حضرت علی رضی الله عنه فرموده‌اند: «مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ؛ شهرها به چیزی مانند عدالت، آباد نمی‌شود.» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۹۵) و یا حضرت در روایتی دیگری فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت هر چیزی را در جایگاه مناسب آن قرار می‌دهد.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) این روایت بدان معناست که در جهان آفرینش، هر چیزی جایگاه مناسب خویش را دارد و اساس خلقت عالم وجود و برپایی و دوام آن به عدل می‌باشد.

علامه جوادی آملی می‌فرماید:

جامعه اسلامی بر مبنای توحید و عدالت استوار است و شکوفایی آن وامدار پابندی افراد به این دو اصل اعتقادی و عملی است. به همین جهت، مسلمانان موظف‌اند که همه نیات و اعمال خود را بر مبنای توحید منطبق ساخته و عدالت را در همه شئون فردی و اجتماعی در رفتار با همه انسان‌های دارای عقاید و مذاهب گوناگون اعمال کنند. فراموشی این دو اصل با خاموشی چراغ زندگی در حیات فردی و اجتماعی مرادف است و روشنی آن، در پابندی و تعهدسپاری به آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۷)

عدل، اصلی است که می‌تواند کارکرد خود را در شهرها و آبادی‌ها نیز به ظهور برساند. در این راستا، طراحان و مدیران شهری باید یک سری امور، از جمله موارد ذیل را در طراحی‌های شهری مورد توجه قرار دهند:

- توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل مردم؛
- استقرار یابی و مکان‌یابی مناسب هر عنصر و ارتباط منطقی و مناسب آنها؛
- نفی ایجاد قطب‌های شهری بر معیارهای مادی و بر مبنای درآمد و ثروت؛
- لحاظ عدالت در توسعه و درصد کاهش و رفع محرومیت از مناطق محروم؛
- رعایت عدالت اجتماعی برای رسیدن تمامی ساکنان شهرها به صورت یکسان به نیازهایشان.

بر این اساس، بی‌توجهی به عدالت اجتماعی باعث به وجود آمدن تبعات ناگواری مانند حاشیه‌نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک جانبه شهرها، خالی از سکنه شدن برخی از محدوده‌های شهری، بورس‌بازی زمین و مسائل بسیار دیگری خواهد شد. در نتیجه، هرگونه برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر

باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آنها مؤثر باشد.

چنانچه علامه طباطبایی می‌فرماید: «آراسته‌ترین مکان‌ها آنجاست که در آن عدالت باشد و از آن آبادتر نخواهی یافت». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۴۴۷)

اما توحید افعالی، از مهم‌ترین مراتب توحید است. یکی از نکاتی که در بحث توحید افعالی از نگاه ملاصدرا مورد توجه قرار گرفته است، وحدت نظام آفرینش است. عالم آفرینش با تمام کثراتی که در آن مشاهده می‌شود، یک واحد نظام‌مند و حقیقی است. از طرفی براساس قاعده «الواحد»، معلول واحد تنها از یک علت صادر می‌شود. نتیجه این دو مقدمه توحید افعالی است، یعنی عالم با تمام اجزای خود مخلوق فقط یک خالق است. (حمیدی، ۱۳۹۰: ۲۴) خالقی که بر اساس آیات قرآن، احسن الخالقین است (صافات: ۱۲۵) و جلوه احسن الخالقین جز در یک نظام احسن تجلی نمی‌یابد. بنابراین احسن المخلوقات بودن برای جهان امری ذاتی و غیر قابل انکار است.

جهان آفرینش صحنه نظام احسن است و اعتراف به اینکه نظم موجود عالم نیز شایسته‌ترین نظمی است که می‌تواند بر جهان حکمفرما باشد و همه چیز روی حساب بوده و هیچ‌گونه مطالبی خلاف حق و عدالت و نیکی در آن وجود ندارد و از آنجا که شهر (یکی از اجزای خلق این جهانی) باید نمود و تجلی وحدت کل بوده و نشانه وجود خالق یگانه و مدبر و منزّه باشد، شهرساز مؤمن و متعهد هم بر آن است تا با هماهنگی ساخته‌های خویش در شهر، با قوانین حاکم بر عالم، نظام احسن را در خلق خویش، به تصویر کشانده و این ساخته‌ها را مطابق با نیازها و اعتقادات جامعه، هماهنگ نماید و آنچه را که معرف فعل و خلق الهی است در خلق آثار خویش به کار بسته و آنها را متجلی کند. در این راستا و برای تجلی بخشیدن به تفکر توحیدی و به ویژه توحید افعالی، شهرساز باید سعی بر آن داشته باشد در موارد ذیل دقت و تأمل افزون‌تری نماید:

- برای تجلی وحدت در کثرت، رعایت تشابه ساختمانی، رنگ‌های خاص و یک‌دستی بناء؛
- به تصویر کشاندن نظمی شایسته در تمام عرصه‌های شهر و بنا کردن، هر چیز در جایگاه اصلی خود؛

- دستورالعمل‌هایی درخصوص مکان‌یابی مناسب در کاربری‌ها ازجمله قراردادن مسجد به عنوان محور اصلی ساخت شهر و به عبارتی قرارگرفتن مسجد در میانه محله؛

- مقابل و رو به قبله بودن خانه‌ها با نظم خاص و متمرکز و یا دور بودن کارخانه‌های صنعتی از شهر؛<sup>۱</sup>

- دقت در مکان‌یابی بیمارستان‌ها از جمله دوری از کارخانجات، خطوط راه آهن و بزرگراه‌ها، کشتارگاه، محل انباشت زباله و کود و اماکن عمومی و پرسروصدا مثل مکان‌های ورزشی؛

- ضرورت ایجاد فضای سبز و تفریحی در شهرها به جهت حفظ از آلودگی‌های محیطی.

وجه مهم دیگر توحید، توحید در عبادت است. اگرچه عبادت، یکی از ارکان اصلی همه ادیان، اعم از ادیان الهی و غیر الهی است و اگرچه وحدانیت الهی در بسیاری ادیان و حتی میان مشرکان (که بت‌ها را وسیله شفاعت می‌دانند یا برای رب‌النوع‌ها قدرت قائل بودند) امری محرز است، اما توحید در عبادتی که تفکر اسلامی معرف و مروج آن است، جلوه کاملاً متمایزی از سایر ادیان و مکاتب دارد که تجلی کالبدی آن در طول تاریخ در اعمال، حرکات و آثار مسلمانان از جمله در ساخت محیط زندگی و شهری‌شان به منصفه ظهور، رسیده است. (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۶۱-۶۰)

بر این اساس، یک انسان موحد، سبک زندگی خویش را بر مبنای بندگی خداوند قرار داده و از آثار و کارکردهای فراوان آن، بهره‌مند خواهد شد.

ایمان به توحید عبادی از جهات بسیاری بر زندگی مسلمین، اثر گذاشته و در مقوله شکل‌دهی محیط زندگی آنان و در شکل‌گیری شهرها و عمارات و اجزای ساختمان‌ها نیز تأثیر خاص خود را داشته است و اولین تأثیر آن در جهت‌گیری مسلمین در برترین عبادت یعنی نماز به سوی کعبه مکرمه، تجلی یافته است.

<sup>۱</sup>. این گونه ساختن، شهر را یکدست و هماهنگ کرده و مایه زیبایی و شکوه می‌گردد و تجلی اسم جمیل خداوند (إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ) می‌شود و از طرفی موجب آزار شهروندان، نظیر رایحه‌های ناپسند، هیاهو و همهمه، دود و آلودگی، ظاهر ناخوشایند و ناراحت کننده را فراهم نمی‌کند.



مکان‌های عبادت، به ویژه مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و زیارتگاه‌ها، ضمن هویت‌بخشیدن به شهرهای مسلمانان، سازمان فضایی خاصی را برای شهر ایجاد نموده‌اند. از آنجا که مسجد، پشتیبان هدف اصلی خلقت و ستایش و عبادت پروردگار است و از سویی عامل هویت‌بخشیدن به شهرهای اسلامی و از سویی دیگر تجلی توحید عبادی، باید مواردی در ساخت مسجد رعایت شود:

- اولاً باید به سبکی طراحی شوند که نشانگر وحدانیت ذات باری تعالی و معنویت عوالم ملکوتی باشند؛

- رعایت مکان و جای گذاری آن در محیط شهری، به این بیان که مسجد جامع در مرکز شهر یا مسجد محله در مرکز آن قرار گرفته و آن‌گاه بازار در نزدیکی آن استقرار یابد تا مراجعه ساکنان که حداقل سه مرتبه در روز به آن مسجد مراجعه می‌کنند، به سادگی و سهولت انجام شود و جنبه اجتماعی بازار که در واقع برای تقویت ارتباطات اجتماعی است، حفظ گردد؛

- مسجد باید طوری بنا شود که نسبت به ساختمان‌های دیگر شهر از مسکونی تا اداری و تجاری (ضمن دوری از مادیات و مصرف‌گرایی) باشکوه‌تر بوده و متمایز از آنها باشد تا جلوه خود را که نماد هویت، اتحاد و قدرت و آرامش است به زیبایی به تصویر بکشاند؛

- فراهم بودن تمام امکانات و تسهیلات لازم در کنار مسجد تا مسلمانان رغبت بیشتری برای حضور در این مکان معنوی داشته باشند؛

- رعایت کردن فاصله طولی مساجد تا هدف شریعت اسلام در ساخت مساجد که متحد نمودن مسلمانان و تقویت روابط اجتماعی است منتفی نگردد.

همچنین باید به انواع مسجد و توزیع متعادل و متناسب آنها هم توجه لازم صورت گیرد که این امر حاکی از وحدت و اجتماع بر گرد محور دین است، چنانچه آیت‌الله خامنه‌ای در جمع مهمانان اجلاس سراسری نماز خاطر نشان ساختند که: «در شهرک‌سازی‌ها و انبوه‌سازی‌ها نیز باید مسجد به تناسب جمعیت لحاظ شود و نباید بدون در نظر گرفته شدن مسجد به این طرح‌ها مجوز داده شود». (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس نماز: ۱۳۸۷/۸/۲۹)

و نهایتاً اینکه شهرسازان مؤمن و متعهد از ساختن مساجد و حتی ساختمان‌های دیگر به نحوی که تقلید از الگوهای بیگانه و تشبه به غیر باشد، دوری کنند. چنانچه در

شهرسازی اسلامی باید توجه داشته باشند، هیچ جلوه‌ای از پروردگار، آن‌گونه که در جوامع و ادیان دیگر به گونه‌های مختلف دیده می‌شود، همچون نقاشی و نصب مجسمه و هر آنچه نشان از منیت است، نباشد.

با توجه به آنچه بیان شد، هدف از آفرینش انسان و غرض از امور و شئون انسانی و اجتماعی زندگی انسان‌ها، خداپرستی و خداشناسی و ارتباط با خداوند است که این غرض و هدف باید حفظ شود و تمام اهداف جامعه بر مبنای این هدف و غرض پایه‌گذاری شود.

### نتیجه

اسلام، زندگی اجتماعی مبتنی بر اصل توحید را عامل سعادت و نیک‌بختی می‌داند و باغور در تعالیم اسلام مشخص می‌گردد که تمام قوانین و احکام اسلامی بر اساس توحید وضع شده‌اند. از آنجا که اسلام دارای اصولی ارزشمند است که در هر موقعیت و برهه زمانی می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد لذا مناسب است طراحان شهری، در مجموع بر اساس عقیده و باور الهی این اصول را بر طراحی و برنامه‌ریزی شهری تطبیق داده و طراحی خود را به سوی آرمان و اهداف اسلام سوق دهند و هرگونه تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی شهری را حسب مصالح و مفاسد امت پی‌ریزی کرده و جلوه توحید نظری و عملی را در ساخت شهر اسلامی به منصف ظهور رسانند.

اگر انسان خدا را بشناسد و او را باور کند و با پیام‌های وحیانی او مأنوس شود، اعمال او از میزانی برخوردار است که قهراً به سوی سازندگی پیش رفته و کارکرد توحید باوری را به بهترین شکل به نمایش می‌گذارند و از وحدت و هماهنگی و نظم در شهرسازی تا کارکرد عدالت در ساخت و ایجاد محیط امن و با آرامش در عبودیت و بندگی را به جلوه می‌کشانند. اصولاً اگر فرد اعتقاد صحیح و عمیق و یقینی داشته باشد و مبانی نظری وی مستحکم باشد کارکرد این اعتقاد سبب می‌شود شخص بر مبنای اعتقاد توحیدی بیندیشد و در راستای آن درست برنامه‌ریزی نماید که این مهم در بحث شهرسازی که پایه تمدن بشری است، درست رخ می‌نماید.

## منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، محمد بن تمیم (۱۳۸۱)، *غررالحکم*، ج ۲، مشهد: مؤسسه فرهنگی-پژوهشی الجواد: ضریح آفتاب.

این بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۸۹)، *الامالی*، قم: نسیم کوثر.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ق)، *التوحید*، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.

این منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.

الاحسائی، محمد بن علی (۱۳۶۱)، *عوالی التالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، قم: سیدالشهدا علیه السلام.

اخوت، هانیه و دیگران (۱۳۸۹)، *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*، تهران: هله. بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰)، *ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی*، مترجم: سید محمد آوینی، مجموعه مقالات جاودانگی و هنر تهران: برگ.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ج ۳، تهران: سمت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *جامعه در قرآن*، تنظیم و ویرایش مصطفی خلیلی، ج ۲، قم: مرکز نشر اسراء.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *توحید در قرآن*، ج ۴، قم: مرکز نشر اسراء.

حمیدی، غلام رسول (۱۳۹۰)، «*توحید افعالی از نگاه ملاصدرا*»، *مجله کوثر معارف*، ش ۱۸، ص ۲۴.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۹)، *مفردات الفاظ القرآن*، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

\_\_\_\_\_ (بی تا)، *الاسماء الثلاثه الاله*، الرب العباده، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

\_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق)، *محاضرات فی الالهیات*، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، ج ۴۸، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰)، «*اصول مدیریت شهری و شهرسازی رسول اکرم صلی الله علیه و آله* در *مدینه النبی صلی الله علیه و آله*»، معرفت، ش ۱۷۱.

سعیدی مهر، محمد (۱۳۷۷)، *کلام اسلامی (خداشناسی)*، ج ۱، قم: موسسه فرهنگی طه.

سیدان، سید جعفر (۱۳۸۰)، «*توحید*»، *مجله قیسات*، ش ۱۹.

صدرالدین شیرازی، محمد ابراهیم (۱۴۲۵ق)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۶، قم: طلیعه نور.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *المبدأ و المعاد*، محمد ذبیحی، دانشگاه قم /

انتشارات اشراق.

— صرافی و دیگران (۱۳۷۹)، «مفهوم، مبانی و چالش‌های شهرسازی»، فصلنامه مدیریت شهری،

س ۱، ش ۲، ص: ۸۱.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۷، محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین.

طهرانی، سید محمد حسین حسینی (۱۴۲۶ق)، *الله شناسی*، ج ۱، تهران: موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.

قردان قراملکی، محمدحسین (۱۳۸۸)، *پاسخ به شبهات کلامی (خداشناسی)*، ج ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

— (۱۳۸۶) *اصطیاد معارف عقلی از نصوص دینی (خدا در*

*حکمت و شریعت)*، ج ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، مجله قبسات، ش ۲۸.

قربانی، رحیم و همکاران (۱۳۹۳)، *معماری اسلامی و شهرسازی مطلوب اسلامی (درآمدی بر فقه تمدنی و مسکن مطلوب اسلامی)*، تهران: شبکه اندیشه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، ج ۳، بیروت: موسسه الوفاء.

مصباح یزدی (۱۳۷۷)، *آموزش عقاید*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی / شرکت چاپ و نشر بین الملل.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار*، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ج ۲، ج ۱۲، قم: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، *آیات الولاية فی القرآن*، ج ۳، قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲) *پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)*، ج ۳، ج ۷، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، *معماری و شهرسازی اسلامی؛ مبانی نظری*، اصفهان: انتشارات راهبان.

— (۱۳۷۸)، *شهر و معماری اسلامی؛ تجلیات و عینیات*، اصفهان: انتشارات مانی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *شهرآرمانی یا فضای حیات طیبه؛ بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر*

*مبانی نصوص دینی*، تهران: مؤسسه نشر شهر.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی*، مجله کتاب ماه

هنر، ش ۱۴۴.